



در بیش از دو دهه اخیر دولت ایران مستمرا متهم شده که در حال ساختن بمب اتمی است و این اتهام به‌قدری در رسانه‌های گروهی ممالک غربی و به‌تبع آن در رسانه‌های تمامی کشور‌های جهان منعکس شده که تبدیل به یک اعتقاد عمومی شده است. این ضعف در کنار ۸ سال روابط پر تنش و شعارآلود دولت احمدی‌نژاد؛ بهانه کافی دراختیار مفرضان قرار داد تا اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را به‌عنوان یک امر مسلم به باور عمومی تلقین کرده و در پناه آن تحریم‌های اقتصادی را به تصویب سازمان ملل برسانند.

تصویر ایران به‌عنوان کشوری که در ۲۰سال گذشته به‌دنبال ساخت سلاح اتمی است نه یا تلاش دیپلمات‌های ایرانی بلکه با انتشار یک کتاب جنجال برانگیز شکاف برداشته و هم‌اکنون سوالات بسیاری حول تلاش برای اتهام و عناصر پشت پرده آن در آمریکا مطرح شده است. «بحران ساختگی: داستان ناگفته خطر اتمی ایران» کتابی است که نتیجه ۶سال تحقیق و بررسی آقای گرت پوتر، نویسنده، روزنامه‌نگار و تاریخ‌دان آمریکایی است که برای کشف حقیقت و پی بردن به جنبه‌های پنهان بحران اتمی ایران، تمامی اسناد محرمانه و غیرمحرمانه، انعکاسات رسانه‌ای، اظهارات مقامات دولتی آمریکا در برابر کمیسیون‌های متعدد کنگره آمریکا، اسناد سازمان سیا و وزارت دفاع آمریکا را علاوه بر تمامی اسناد و گزارشات ژانرس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان ملل در این مورد بررسی کرده و با برخی تنظیم‌کنندگان آن گزارشات مصاحبه کرده و نهایتا به این نتیجه رسیده که بحران اتمی ایران ساخته و پرداخته تاریک‌خانه‌هایی واقع در تل آویو و واشنگتن بوده و با هدف «تغییر رژیم» ایران تعقیب‌شده‌است.

نویسنده این کتاب با بررسی هزاران سند و اطلاعات محرمانه‌نتیجه‌گیری کرده که،بحران اتمی ایران توسط آمریکا و به کمک اسرائیل ساخته و هدایت شده‌است و هدف آن محروم کردن ایران از حق به‌رسمیت شناخته شده برای دستیابی به چرخه تولید سوخت هسته‌ای برای مصارف صلح آمیز و نهایتا فراهم کردن زمینه «تغییر رژیم» از طریق فشار اقتصادی و در صورت نیاز از طریق تقابل نظامی بوده‌است. همانند این سناریو منجر به تازدی اسفناک عراق شد. خطر حمله نظامی آمریکا به ایران در زمان بوش بسیار قوت گرفت و نتوکان‌ها(مراقبه‌کاران نو) که در رأس هرم قدرت در آمریکا قرار گرفته بودند؛ به شدت پیگیر این قضیه بودند.

#### آشنایی بانویسنده کتاب

گرت پوترتر، روزنامه‌نگار تحقیقی، تاریخ‌دان، نویسنده و تحلیلگر سیاست‌های خارجی و نظامی آمریکاست. او در دوره جنگ ویتنام، علیه جنگ فعالیت می‌کرد و پس از آن نیز در یک موسسه تحقیقاتی ضدجنگ در واشنگتن به فعالیت‌هایش ادامه داد. پوتر در رشته سیاست بین‌الملل از دانشگاه شیکاگو مدرک کارشناسی ارشد گرفت و همچنین دوره دکتری خود در رشته مطالعات جنوب‌شرقی آسیا در دانشگاه کورنل گذرانده است. او همچنین به سیتی کالج نیویورک و امریکن یونیورسیتی درس مطالعات بین‌الملل را تدریس کرده‌است. وی نخستین کسی بود که مدیریت رشته‌اندگاهی «صلح و رفع بحران‌را در امریکن یونیورسیتی بر عهده گرفت. او موسسه فرونت لاین (Frontline Club) در

لندن در سال ۲۰۱۲ پوتر را به پاس فعالیت‌های روزنامه‌نگاری وی (به ویژه به دلیل انتشار مقالاتی در مورد سیاست‌های آمریکا در افغانستان و پاکستان،) برنده جایزه مستیز مارتا گلهورن (Martha Gellhorn) معرفی کرد.

پوتر تاکنون ۱۱ کتاب منتشر کرده‌است. او همچنین چندین مقاله در سایت الجزیره، مجله نیشن، اینترپرس سرویس و هافینگتون پست منتشر کرده و در مجامع گوناگون سخنرانی کرده‌است. وی از سال ۲۰۰۶ مشغول تحقیق در مورد گزارش‌های آمریکا و اسرائیل در مورد برنامه هسته‌ای ایران بوده‌است. تلاش ۶ ساله گرت پوتر به‌عنوان یک روزنامه‌نگار کنج‌کاو و حقیقت‌جو سه تنظیم و نگارش کتابی ۳۱۲صفحه‌ای منجر شد که هم‌اکنون در برخی محافل سیاسی و تصمیم‌گیری آمریکا تنش ایجاد کرده و خاطرات تلخ ارایه اطلاعات غلط، که منجر به فاجعه حمله آمریکا و متحدانش به عراق شد را به یاد آورد. به نوشته پوتر «تولید‌کنندگان اسناد جعلی در مورد برنامه هسته‌ای تسلیحاتی ایران به خوبی از تجربیات تولید اسناد مشابه در مورد عراق بهره گرفته و تلاش فراوان کردند که حرفه‌های موجود در آن اسناد را پر کرده و آن را عوام‌پسند کنند.»

##### انگیزه‌نویسنده کتاب

گرت پوتر در مورد انگیزه خود برای تحقیق در مورد پرونده هسته‌ای ایران چنین توضیح می‌دهد: «هدف من در ک این مسأله بود که چرا روایت‌ها و اظهارات جاری در مورد برنامه هسته‌ای ایران با هیچ پرسش و چالشی مواجه نمی‌شود؛ و این داستان تالین جدااعتار کسب کرده است. طی این سال‌ها من با برخی «مسائل خلاف‌قاعده» مواجه شده‌ام، وواقیعتا همج که نمی‌شد آنها را با روایت مرسوم تطبیق داد. همین بدین امر پی بردم که من تنها روزنامه‌نگاری هستم که مدارک حوال این مسأله را از نزدیک تعقیب می‌کنم. در نهایت -و شاید مهم‌تر از همه- بدین امر پی بردم که نمی‌توان واقیعت را در یک مقاله یا مجموعه مقالات ارایه کرد و باید درباره آن کنشی بنویسم.»

پوتر مدت ۶سال وقت صرف جمع‌آوری تمامی مدارک و اطلاعات محرمانه و غیرمحرمانه در ممالک مختلف جهان و از میان رسانه‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران کرد. او همچنین تمامی گزارشات و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مدارک موجود در سازمان ملل که منجر به صدور قطعنامه‌های شورای امنیت شدند، اظهارات مقامات عالی‌رتبه نظامی و

اطلاعاتی آمریکا در مقابل کمیسیون‌های گوناگون در کنگره آمریکا، مدارک موجود در سازمان سیا وپنتاگون را به‌دست آورده و بنویسندگان و تنظیم‌کنندگان آن گزارشات مصاحبه‌های جداگانه انجام داده تا از صحت و سقم ادعاهای مطرح‌شده‌اطمینان حاصل کند.

پوتر همچنین با مقامات سابق و کنونی هیأت مذاکره‌کننده ایرانی تماس گرفته واطلاعات وادعاهای ایران را نیز جمع‌آوری کرده و مورد ارزیابی قرار داده است. او به این حد از اطلاعات اکتفا نکرده و با برخی دست‌اندر کاران سرویس‌های اطلاعاتی ممالک اروپایی نیز تماس حاصل و تلاش کرده زوایای تاریک و اطلاعات پشت پرده گزارشات سرویس‌های اطلاعاتی که به‌عنوان منبع رسانه‌های خبری مورد استفاده قرار گرفته‌اند را نیز روشن کند.

کتاب «بحران ساختگی» با تکیه بر گفت‌وگوهایی با مقام‌های ایرانی و مقام‌های سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نشان می‌دهد که چگونه از ژانرس سوا«استفاده شده است تا گزارش‌هایی ارایه کند که به‌طور ضمنی وجود فعالیت هسته‌ای پنهانی در ایران را تأیید کند؛ گزارش‌هایی که پایه و اساس اصلی آنها اسنادی بود که اسرائیل تولید کرده بود. این کتاب همچنین به گزارش‌هایی می‌پردازد که سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و دیگر نهادهای اطلاعاتی این کشور برای اثبات ادعای خود مبنی‌بر این‌که به‌نامه هسته‌ای ایران با هدف تولید سلاح کشتار جمعی است، جعل کردند.

گراهام فولر، معاون رئیس شورای اطلاعات ملی در سازمان سیا و نویسنده کتاب‌های «جهانی‌بدون اسلام» و «سه واقیعت و یک دروغ» در مورد این کتاب چنین نوشت: «در شرایطی که بسیاری از خبرنگاران غربی احساس مسئولیتی در قبال اخبار مربوط به «ایران هسته‌ای» ندارند و هم‌زمان از ویارویی شدید و احتمال جنگ حرف می‌زنند، کتاب پوتر یک دیدگاهی متفاوت همراه با جزئیاتی فراوان در مورد وارونه جلوه دادن «شواهد» برای تأمین و پشتیبانی از اهداف سیاسی مشکوک آمریکا و اسرائیل ارایه می‌دهد. گرت پوتر که یک خبرنگار تحقیقی و تاریخ‌دان برجسته است، اطلاعات دست‌اولی در مورد روند بحران ساختگی علیه ایران در دهه‌های گذشته ارایه می‌دهد؛ بحرانی که از نظر ژئوپلیتیک، مخرب بوده‌است.»

پوتر در مقدمه کتابش توضیح می‌دهد که این کتاب به‌خلاف جریان معمول حرکت می‌کند و او تنها محققی است که با نگاهی بی‌طرفانه و خالی از تعصب تمام گزارش‌های ژانرس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را در یک دهه اخیر مطالعه کرده‌است.

**مشأأبحران اتمی و تبعات «بحران ساختگی»**
این کتاب ضمن پرداختن به تاریخچه تحقیقات هسته‌ای در ایران در سال‌های پیش از انقلاب ۵۷ که با همکاری علمی و فنی فرانسه و آلمان و با حمایت ضمنی آمریکا جریان داشت به دلایل توقف آن برنامه پرداخته و تصمیم به شروع فعالیت اتمی را به دلیل نیاز فصل اول کتاب به تاریخچه برنامه هسته‌ای ایران در زمان شاه می‌پردازد و نشان می‌دهد که این برنامه با حمایت فنی و لوژستیکی آلمان و فرانسه پیش می‌رفت و آمریکا نیز مشکلی با آن نداشت. «ایران به‌منظور نیل به تسلیحات هسته‌ای است، هیچ مدرک و سند قطعی تاکنون در پشتیبانی از این ادعاها ارایه نشده‌است.»

**پایان شبخ کمونیسم و نیاز به دشمن جدید**
به‌اعتقاد پوتر، بحران هسته‌ای ایران به دنبال یک برنامه سیاسی مخفی که توسط گروهی از سیاست‌گذاران آمریکایی دنبال می‌شد؛ ایجاد شد و اسرائیل بعدا وارد این داستان شده و هیزم افروختن آتش آن‌را فراهم کرد. داستان با حمایت آمریکا از عراقی‌ها در جنگ بین ایران و عراق در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی آغاز می‌شود. سپس فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تبدیل به یک نقطه حیاتی در این سناریو می‌شود. به نوشته پوتر «پایان شبخ کمونیسم و خاتمه جنگ سرد بهانه سازمان سیا برای تداوم سیاست بازآزندگی را از بین برد. راه‌حل این گروه از سیاست‌گذاران آمریکایی برای تداوم تخصیص بودجه‌های هنگفت به این سازمان ابداً یک تهدید جدید بود. ظهور

آن توسط شرکت زمینس آلمان تکمیل شده بود. آلمان تحت فشار آمریکا از تکمیل پروژه نیروگاه اتمی بوشهر خودداری کرد و هیچ کشور غربی به‌حاضر به همکاری با ایران در این پروژه نشده. پوتر می‌نویسد: «همین تلاش‌های تهاجم‌آمیز آمریکا بود که ایران را مجبور کرد، برای دستیابی به فناوری مورد نیاز برای برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود، به معاملات در بازار سیاه روی بیاورد.»

##### هدف ایران:

##### خودکفایی در تولید سوخت هسته‌ای

نمایندگان ایران برای تعقیب قرارداد تأمین سوخت از شرکت «ارودیف» فرانسه که ۱/۵میلیارد دلار سرمایه‌ایران را در ازای تأمین سوخت در اختیار داشت، وارد مذاکره شد. ولی آمریکا در زمان ریگان فرانسه و دیگر همیمانان خود را از تأمین سوخت مورد نیاز ایسرن، که در چارچوب مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود، منع کرد. از آن پس تمامی تلاش‌های قانونی ایران با کارشکنی آمریکا روبه‌رو شد تا جایی که ایران مجبور شد به فکر خودکفایی در تأمین سوخت هسته‌ای افتاده و در این راستا به خرید تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم‌بپردازد.

به نوشته پوتر، ایران می‌دانست که اگر لیست خریدهای خود را در اختیار آژانرس قرار دهد آمریکا برای توقف این معاملات از هیچ‌گونه فشار و تلافی فرگذار نخواهد کرد و در عین حال به خوبی می‌دانست که در یازده موضوع خریدهای ایران علی‌شواهد شد چون کشورهای دارای فناوری غنی‌سازی بسیار معدود بوده و همگی عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بودند و می‌بایست گزارش مبادلات اتمی خود را به ژانرس تحویل می‌دادند.

تلاش دولت و دانشمندان ایران این بود که تا قبل

# چطور تهران درگیر بحران ساختگی اتمی شد



پروژه نیروگاه اتمی بوشهر خودداری کرد و هیچ کشور غربی دیگری حاضر به همکاری با ایران در این پروژه نشد

#### نقش کلیدی «رابرت گیتس»

فردی که با این حيله سازمان سیا ر انجبات داد و تداوم حیات و تأمین بودجه آن را تضمین کرد کسی نبود جز رابرت گیتس Robert Gates. او در زمانی که ماجرای خود به استخدام سازمان سیا درآمد و سپس در ماجرای ایران - کنترا در زمان ریاست جمهوری ریگان جزو کسانی بود که به‌عنوان یکی از شهود به کمیسیون تحقیق این ماجرا احضار شد. به‌رغم خطاهای فراوانی که سازمان سیا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورشیدی مرتکب شد، که مستمرا مورد انتقاد قرار می‌گرفت و رابرت گیتس نیز در برخی از ناگامی‌ها نقش داشت، ولی او نردبان ترقی را در نهادهای اطلاعاتی آمریکاطی کرد و به‌مناصب حساس دست یافت.

اوین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸

به‌عنوان معاون مدیر اداره اطلاعات ملی و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ خورشیدی به‌عنوان معاون مشاور امنیت ملی فعالیت کرد که مقامی بالاتر از موقعیت قبلی بود. نهایتا در سال ۱۳۷۰ پس از جنجال فراوان؛ وی به سمت رئیس سازمان اطلاعات مرکزی رسید. به‌گزیده شد.

سال ۱۳۶۸ خورشیدی بوش مایل بود که مناسبات خود را با ایران بهبود بخشد و تحریم‌هایی را که پس از ماجرای گروگانگیری سفارت آمریکا و در طول جنگ علیه ایران وضع شده بود را بردارد. در آن زمان تعدادی آمریکایی در لبنان به گروگان گرفته شده بودند و علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت تلاش فراوانی برای رهایی آنها کرد. بوش ضمن قدردانی از این تلاش خواهان بهبود مناسبات با ایران بود و در این نظر از حمایت برنت اسنوکرافت، مشاور امنیت ملی خود هم بهره‌مند بود ولی به‌طور ناگهانی همه رابرت گیتس به‌عنوان یک نقش آفرین مهم در حمله به ایران ظاهر شد.

بنا به نوشته پوتر در صفحه ۸۷ کتاب «بحران ساختگی» بوش و اسنوکرافت خواهان بهبود روابط با ایران بودند ولی مابقی اعضا تیم امنیت ملی و به‌طور خاص رابرت گیتس به شدت مخالف این تلاش بوده و تأکید می‌کردند که «ایران عمیقا در فعالیت‌های تروریستی دیگر نقش دارد که بهمپسود روابط را بسیار مشکل می‌سازد» ولی توضیحی در مورد آن فعالیت‌های تروریستی نمی‌هند. لذا تصمیم به متوقف کردن بهبود روابط با ایران، نه بر پایه اسناد و مدارک، بلکه بر اساس یک تصمیم سیاسی اتخاذ شد.

ایران بود که پوتر به‌دست آورده؛ گیتس اولین کسی بود که در اظهارات خود در برابر کمیسیون قوای مسلح کنگره آمریکا در ۷ فروردین ۱۳۷۲ بدون ارایه سند یا مدرکی گفت «ایران در حال دستیابی به قابلیت تولید سلاح کشتار جمعی و خواهان کسب توانایی ساخت

سلاح اتمی است». به نظر می‌رسد که جمله «قابلیت تولید سلاح اتمی» از همین زمان مرسوم شده باشد.

#### منع فناوری هسته‌ای= منع توسعه ملت‌ها

وی در همان جلسه توضیح داد که برخی از فناوری‌های هسته‌ای که کار برد مشروع غیرنظامی دارند می‌توانند کاربرد نظامی هم داشته باشند و در پاسخ به سوالی در مورد محدود کردن خرید و فروش فناوری هسته‌ای که کاربرد دوگانه دارند، گفت: «محدود کردن خرید و فروش فناوری هسته‌ای ایران منظور جلوگیری از گسترش سلاح هسته‌ای باعث محدود شدن توانایی ملت‌ها برای توسعه و مدرنیته می‌شود.»

به نوشته پوتر این صریح‌ترین اعتراف یک سیاست‌گذار آمریکایی به این امر است که آنها از تأثیرات منفی محدود کردن خرید و فروش فناوری هسته‌ای در قابلیت ملت‌ها برای توسعه آگاه هستند با این حال از این نقطه به بعد صحنه برای «بونهامی» ایران آماده شد. اگرچه «ارزیابی اطلاعات ملی آمریکا» منتشره در سال ۱۳۷۱ تأکید داشت که ایران تهدیدی برای آمریکا محسوب نمی‌شود ولی اظهارات گیتس به‌صورت مشیء رسمی دولت بوش تا پایان ریاست جمهوری او در آمد و این امر نشان می‌دهد که نفوذ و تأثیر گذاری گیتس در تعیین خط مشیء سیاسی دولت آمریکاتعیین‌کننده بوده‌است.

#### روای تغییر نقشه‌خاورمیانه

پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در خاک آمریکا، دولت بوش (پسر) به زیر سلطه فکری و ایدئولوژیک نتوکان‌ها(مراقبه‌کاران جدید) درآمد که در زمان دولت پدرش هم فعال بودند. آنها منتظر موقعیتی برای تعقیب سیاست «تغییر رژیم» در خاورمیانه می‌گشتند و این بهانه با این حادته تروریستی فراهم شد و اعلام کردند که ایران به دنبال یک برنامه محرمانه تولید سلاح اتمی است. درواقع ایران در سال‌های آغازین دهه ۱۳۶۰ خورشیدی برای دریافت سوخت نیروگاه آزمایشی تهران و نیروگاه ناتمام بوشهر رسماً از ژانرس بین‌المللی انرژی اتمی درخواست کمک کرد ولی آمریکا تمام تلاش خود را به کار بست که ایران به اورانیوم غنی شده دست پیدا نکند، به‌رغم این‌که ایران به‌عنوان کشوری که معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی ا امضاء کرده بود قانونا حق داشت به سوخت اتمی برای مصارف صلح آمیز دسترسی داشته باشد. به‌نوشته پوتر، ایران زمانی آغاز به خرید تجهیزات برای غنی‌سازی اورانیوم کرد که تمامی تأمین‌کنندگان تروریستی دیگر نقشش دارد که بهمپسود روابط را بسیار مشکل می‌سازد» ولی توضیحی در مورد آن فعالیت‌های تروریستی نمی‌هند. لذا تصمیم به متوقف کردن بهبود روابط با ایران، نه بر پایه اسناد و مدارک، بلکه بر اساس یک تصمیم سیاسی اتخاذ شد.

ایران بود که پوتر به‌دست آورده؛ گیتس اولین کسی بود که در اظهارات خود در برابر کمیسیون قوای مسلح کنگره آمریکا در ۷ فروردین ۱۳۷۲ بدون ارایه سند یا مدرکی گفت «ایران در حال دستیابی به قابلیت تولید سلاح کشتار جمعی و خواهان کسب توانایی ساخت



توسط سایات اویکی لیکس» منتشر شد جنبه‌های پنهانی این مرادوات را بر ملا می‌سازد.

ژانرس پس از انتصاب امانو صریحاً مدعی نشد که مبهمی در دنبال ساخت سلاح اتمی است ولی به زبان نمی‌تواند امکان تلاش ایران برای ساخت سلاح اتمی را رد کند». چند تلاش ایران در زمان جورج بوش فناوری هسته‌ای که کاربرد دوگانه دارند، گفت: «جنبه‌های ناشناخته و مبهم فعالیت‌های هسته‌ای ایران به دلیل حضور نتوکان‌هایی همچون جان بولتون که به‌عنوان سفیر موقت آمریکا در سازمان ملل فعالیت می‌کرد، با شکست مواجه شدند.

سپس لای‌های قدرتمندی همچون موسسه انترپرایز آمریکا (AED) و موسسه مطالعات خاورز نزدیک واشنگتن (WINEP) و کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل (AIPAC) معرفی و آپیک تمام نفوذ خود را در کنگره بکار بردند تا تحریم‌های اقتصادی علیه ایران وضع شوند. آنها همچنین از حمله نظامی چه توسط آمریکا و چه اسرائیل حمایت می‌کردند. جلد کتاب پوتر تصویرنتابیهو، نخست‌وزیر اسرائیل را نشان می‌دهد که یک کارکاتور طراحی شده توسط استودیوی «اورن رابردرز» که برای یک کارتون کشیده شده بود را هنگام سخنرانی در سازمان ملل به‌دست گرفته‌است.

در سال ۱۳۸۵ خورشیدی جورج بوش، رابرت گیتس را به وزارت دفاع آمریکا منصوب کرد. او پس از ترک سازمان سیاستی به‌عنوان رئیس یک دانشگاه گیتس از کابینه او ایاماً در وزارت دفاع و کاخ سفید نزدیک تگراس مشغول به کار بود. پس از انتصاب به وزارت دفاع، گیتس برنامہ «ایران‌هراسی» را در ارتباط نزدیک به نخست‌وزیران متعدد اسرائیل در دولت‌های مختلف آمریکا از جمله در دولت باراک اوباما پیش برد. پس از انتخاب باراک اوباما، گیتس همچنان به‌عنوان وزیر دفاع به کار خود ادامه داد. اگر چه باراک اوباما هنگام مبارزات انتخاباتی به قصد خود برای حل دیپلماتیک اختلافات با ایران تأکید می‌کرد ولی سیاست‌های دوران جورج بوش تا زمان خروج رابرت گیتس از کابینه او ایاماً در وزارت دفاع و کاخ سفید دنبال شد. تنها با خروج گیتس از کابینه اوباما بود که گشایشی در مذاکرات با ایران پدید آمد و سپس با انتخاب حسن روحانی تلاش برای حل جدی و قطعی بحران اتمی در دستور کار آمریکا قرار گرفت.

نویسنده کتاب معتقد است که همین سیاست در زمان اوباما ادامه داشت و علت اصلی آن حضور رابرت گیتس در پست وزیر دفاع آمریکا بود. گیتس در زمان بحران ایران - کنترا در دولت ریگان نقش داشت و در زمان ترسیم ایران به‌عنوان تهدید اصلی پس از فروپاشی بلوک شرق رئیس سازمان سیا بود. او در ارتباط نزدیک با نخست‌وزیران متعدد اسرائیل پروژه «ایران‌هراسی» را مستمرا در دولت‌های مختلف آمریکا از جمله در دولت باراک اوباما پیش برد. به عقیده پوتر گشایش در مناسبات ایران و آمریکا، آغاز مذاکرات محرمانه بین دو کشور و تلاش برای حل این بحران ساختگی تنها پس از بازنشسته شدن رابرت گیتس و خروج او از کابینه اوباما در سال ۱۳۹۱ میسر شد.

پوتر سردارکی ارایشه می‌دهد مبنی‌بر این که سیاست‌های آمریکا و اسرائیل درباره ایران از منافع سیاسی و سازمانی ناشی شده‌اند نه از تجزیه و تحلیل دقیق و واقع‌گرایانه برنامه هسته‌ای ایران، که تحت نظارت ژانرس بین‌المللی انرژی هسته‌ای قرار دارد.